

اورا شنید به شمس الدین بدلیسی پناه برد و دختر او را گرفت و نیرو یافت اما طایفه آق قویونلو که مرکزشان دیار بکر بود مخصوصاً امیر حسن بیك بقول شرفنامه (ص ۲۱۶ چاپ مصر) «همگی توجه بر استیصال خانواده های کردستان گماشت بتخصیص آنانکه طریق مصادقت و اتحاد با سلسله سلاطین قراقویونلو سپرده بودند از آن جمله در قلع و قمع حکام چشمگزك کوشیدو عاقبت همه جزیره را بتصرف درآورد و حکومت آنجا را بچلبی بیك سپردند» .

### صفویه

سلاطین صفوی توجه مخصوصی بنواحی کردستان داشتند زیرا که آنجا میدان جنگ حقیقی ایران و عثمانی بود و تبلیغات سلاطین عثمانی در آن ناحیه بدرجه اعلی رسید حتی از لحاظ مذهب هم در میان ایرانیان و اگراد اختلاف افکنده بودند شاه اسمعیل صفوی برای اینکه آن ناحیه را مصفا کند در تنبیه یانغیان کوشید و همان سیاست آق قویونلو را تعقیب کرد زیرا که میدانست آسایش این ناحیه برای تعقیب سیاستی که نسبت بترکان عثمانی دارد چقدر مهم خواهد بود . درخوی یازده تن از امراء کرد بحضور اورسیده اظهار اطاعت کردند ولی شاه اسمعیل چند تن از آنان را که محل سوء ظن میدانست بزندان افکند و حکومت ولایات کردستان را به امراء قزلباش تفویض کرد . دامنه فتوحات شاه اسمعیل بجائی رسید که تمام ناحیه بین بغداد و مرعش را بتصرف درآورد میخواست همه ولایات کرد نشین را بحکام خود بدهد و رسم ملوک الطوائفی را بر اندازد تا بهتر بتواند در این نواحی بمقابله عثمانیان و دفاع از کشور ایران بپردازد .

سیاست عثمان درست بعکس این بود دربار اسلامبول میخواست در مرز ایران همواره هرج و مرج و شورش برپا باشد و امراء جزء استقلالی پیدا کنند تا در نتیجه اختلاف کلمه آنان بتواند نفوذ خود را در آنجا جاری کند چنانکه حکیم ادریس کرد را مأمور این کار نمود و رؤسای کردستان را تشویق کرد که هر يك ناحیه‌ای از آن خود دانسته از اطاعت پادشاه صفوی سرپیچی کنند چون بعد از نبرد چالدران موقتاً قدرت شاه اسمعیل رو بضعف نهاد. حکیم ادریس موفق شد که ۲۵ تن از رؤساء کرد را به اطاعت سلطان در آورد. اما اگراد از این وعده های استقلال نفعی نبردند بعد از آنکه سلاطین عثمانی حدود خود و ایران را بموجب عهد معین کردند شروع به تنظیم ولایات شرق کرده قدرت اداری خود را بسط دادند رفته رفته دست امراء را کوتاه نمودند و در زیر قدرت خویش قرار دادند و بسر کوبی متمردان پرداختند کتاب شرفنامه که در حدود هزار هجری تألیف شده است بخوبی احوال کردستان را در قرن قبل از شاه عباس نشان میدهد که چگونه پراکندگی و هرج و مرج در آن ایالت حکمفرمائی داشته و هر خاندانی خود را بمقتضای ضعف دولت ایران دارای استقلال می پنداشته است.

شاه اسمعیل هر قدر نسبت بیایگان کردستان سختگیری میکرد نسبت بسایر امراء آنجا محبت مینمود چنانکه حاجی رستم بيك از امراء چمشگزك چون خبر حرکت شاه اسمعیل را شنید بخدمت او رو نهاد و قلاع خود را باو تفویض و تسلیم کرد شاه اسمعیل ریاست چمشگزك را باو ارزانی داشت و او در رکاب شاه اسمعیل بود سلطان سلیم خان بعد از حمله تبریز امر داد تا حاجی را با چهل نفر از بزرگان طایفه بیاسا رسانیدند بجرم آنکه

در ۸۷۸ که سلطان محمد خان (والی روم) متوجه تسخیر قلعه کماخ بود حاکم قلعه میخواست آنجا را بخان روم تسلیم کند ولی حاجی رستم بیك پذیرفت و عاقبت آنجا را بشاه اسمعیل داد (شرفنامه ص ۲۱۷)

تیمور خان حاکم اردلان با اینکه از جانب سلطان مراد خان عثمانی بمنصب پاشائی نایل شده بود از ارادت شاه صفوی دست برنمیداشت چنانکه بقول شرفنامه گاه رومی و گاه قزلباش بود. (ص ۱۲۴)

زاهد بیك بن عزالدین شیر از حکام **حکاری** اطاعت شاه اسمعیل صفوی نمود و منظور نظر شاهانه گشته از عنایت بی غایت خسر وانه منشور ایالت موروثی بدو ارزانی و گاهی او را خطاب بلفظ « عمی » میکرده (شرفنامه چاپ مصر ۱۳۳)

امیر حسن از حکام **عمادیه** بخدمت شاه اسمعیل آمده اعزاز تمام یافت و هم از این طایفه بیرام بیك در قزوین بخدمت شاه اسمعیل ثانی رسید (ص ۱۵۰ شرفنامه) چنانکه گفتیم شاه اسمعیل بسیار میل داشت که نواحی کردستان منظم و تحت امر ایران بماند تا بتواند به مقابله عثمانیان پردازد و هر وقت عصبانی از امراء کرد میدید بسختی در صد تنبیه بر میآمد در شرفنامه مسطور است (ص ۲۰۶) که « چون آفتاب دولت شاه اسمعیل سر برزد امراء و حکام کردستان بعزم آستان بوسی او متوجه تبریز گشتند بمجرد رسیدن امراء بدانجا شاه اسمعیل **ملك خلیل** (حاکم حصن کیف) را با سایر امیران در قید و بند کشیده بزینل خان شاملو سپرد و بملك خلیل تکلیف کرد که اهل و عیال خود را به تبریز آورد. ملك خلیل حسب فرمان خواهر شاه اسمعیل را که از او يك پسر و سه دختر داشت به تبریز آورد و مدت سه سال در قید شاه اسمعیل ماند و بالکلیه ولایت حصن کیف به

تصرف قزلباش درآمد .

همچنین صاحب شرفنامه ی نویسد (ص ۱۶۸) در فرصتی که امراء کردستان باتفاق اراده ملازمت شاه اسمعیل صفوی نموده روانه خوی و تبریز شدند شاه علی بیك (حاکم جزیره) بهمراهی ۱۲ نفر از امراء و حکام کردستان متوجه خدمت شاه اسمعیل شد و ایذاء و اهانتی که بقزلباش نموده بود فراموش کرد شاه صفوی او را همراه امراء و حکام کردستان در قیدزنجیر کشید و ولایت جزیره را بتصرف اولاش بیك برادر محمد خان استاجلو والی دیاربکر داد .

شاه طهماسب سیاست پدر را دنبال کرد .

شاه عباس بزرگ که در جهانداری از نامداران روزگار است بتحیب طوایف کرد پرداخت و در حفظ آنان از تناول عثمانی کوشش بسیار کرد چنانکه یکی از شرایط صلح (۱۰۲۰) عثمانی این بود که ایران حمایتی از هلوخان حاکم شارزور و اردلان نکند (۱)

در سال ۱۰۲۶ شاه عباس لشکری بسرداری قرچقای خان نازنه الروم فرستاد عثمانیان سعی بسیار کردند که طوایف کرد را بر ایرانیان برگزینند ولی رؤسای آن طوایف مثل ضیاء الدین خان فرزند شرفخان بدلیسی و غیره بدون اجازه سرداران عثمانی بولایت خود باز گشتند محمد پاشایگلر بیگی وان میخواست از آنها جلوگیری کند جنگ در گرفت یحیی خان پسر زکریا خان رئیس عشایر حکاری جمعی از ترکان عثمانی را کشت و خود نیز مجروح شد و محمد پاشا را هم زخمدار کرد .

---

(۱) راجع به هلوخان رجوع شود بعالم آرای عباسی صفحه ۶۵۲ و صفحه ۶۱۳

شاه عباس برای حفظ طوایف اکراد از دستبرد ترکان تصمیم گرفت که جماعتی از آنان را بولایت دیگر ایران کوچ بدهد و چون باین طایفه اطمینان کامل داشت حراست مرزهای خراسان را بآنان سپرد ۱۵۰۰۰ خانوار کرد را بآنجا کوچانید.

شاه عباس و اخلافتش نه تنها برای حفظ سرحدات بلکه برای لشکر کشی هم از نیروی کرد استفاده میکرد و دهاند عشایر مگری یکی از ارکان زورمند لشکر ایران محسوب و در اردوگاه شاه عباس مقامی خاص حائز بودند اگر بخواهیم جزء بجزء تاریخ کردستان را در عهد پادشاهان صفوی بنگاریم کتاب خیلی مفصل میشود و باید همه تاریخ جنگهای ایران و عثمانی بلکه سیاست داخلی و خارجی شاه عباس را ذکر کنیم هر کس طالب باشد میتواند بعالم آراء عباسی و سایر کتب مبسوط رجوع نماید.

در عالم آراء صورت اکراد و الواری که در عهد شاه عباس بر تبه ایالت و خانی و سلطانی رسیده اند مذکور است ( چاپ تهران ص ۷۶۲ ) از این قرار:

۱ - خان احمد خان اردلان ولد هلو خان بیگلر بیگی شهرزور که از امراء بزرگ است.

۲ - عاشور خان چگنی - حاکم مرو و شاهینجان که از امراء معتبر است.

۳ - سلمان خان شوباشی دنبلی - حاکم چورس و سلماس .

۴ - امامقلی سلطان سیاه منصور - حاکم اسفراین خراسان .

۵ - رضاقلی سلطان سیاه منصور - حاکم قلعه بست زمین داور

۶ - بیرام علی سلطان صوفی - حاکم دیلمان گیلان ( که از

عشایر اکراد است )

۷ - علی مراد خان ولد گنجعلی خان زیگ (۱) که از امراء بزرگ و بجای پدر بیگلر بیگی قندهار است .

۸ - مقصود سلطان دنبلی - حاکم بر کشاط .

۹ - شجاع الدین سلطان سوره - که از امراء شیروان است .

۱۰ - نفس سلطان گروس - حاکم قلعه لك بغداد و توابع در تنگ .

۱۱ - کدائی سلطان کولانی - حاکم زنجان .

۱۲ - قلندر سلطان کله گیر - میرایل مذکور و از امراء آذربایجان

است .

۱۳ - مصطفی سلطان جستانی - ملقب باببدال علی حاکم جستان

توابع بغداد و طوایف مختلف .

چنانکه گفته شد در عالم آراء عباسی اطلاعات بسیار در باب طوایف

کرد و مراتب رؤسای آنان مذکور است اما چون آن کتاب گرانبها در تهران

طبع شده و فهرست ندارد نمیتوان بسهولة مطلبی را در آن دریافت از اینرو

نگارنده آن نسخه را مطالعه کرده و صفحاتی را که نام افراد در آن مذکور

است حتی المقدور یادداشت نموده است و برای استفاده اشخاصی که بخواهند

تحقیق مبسوط تری نمایند عین آن اعداد را در این جا میآوریم که فایده

آن عام باشد .

---

(۱) یکی از هفت دودمان قدیم عهد اشکانیان و ساسانیان زیگ بوده است در

کتاب الاسماء یوستی اسامی افراد خاندان زیگ مذکور است (Namenbuch)

راجع بعلمردان خان ولد گنجعلی خان زیگ بیگلر بیگی قندهار ص ۷۶۲

عالم آراء - در ص ۷۳۳ راجع بگنجعلی خان زیگ که لقب بابا یافت شرحی مذکور است

تصویر او در عمارت چهل ستون اصفهان است .

## خاتمه

برخواننده گرامی کاملاً آشکار شده است که مقصود از نگارش این اوراق نشر تاریخ منظم کردستان و احوال طوایف آن و سرگذشت امراء و خوانین آن سامان نیست والا بایستی اسلوب دیگر پیش گرفته میشد. بطوریکه عنوان کتاب حکایت میکند مراد ما کیفیت ارتباط و پیوستگی نژادی و ملی کرد است و ضمناً چون یکی از ارکان ملیت و قومیت، تاریخ مشترک است دو فصل آخر کتاب را بذکر حوادثی که تعلق قلبی اکثراد را با ایران ثابت می کند تخصیص دادیم و منظور وزارت فرهنگ نیز از تشویق نگارنده در تهیه و نشر کتاب همین بوده است

از دوره صفوی ببعد مطالب مربوط بتاریخ کرد بحدی فراوانست که در خور کتابی جداگانه است و برای منظور ما چیز تازه ای دربر ندارد و تکرار حوادث ایام گذشته است که بحد کافی شواهد روشن از آن ها استخراج گردیده و پیوند خلل ناپذیر این قوم با سایر شعب ملت ایران بوسیله آنها به ثبوت رسیده است.

شماره صفحات عالم آراء عباسی طبع تهران که مربوط بکرد است:

|     |     |     |     |     |     |
|-----|-----|-----|-----|-----|-----|
| ۳۲۷ | ۱۸۳ | ۱۵۲ | ۱۰۰ | ۵۵  | ۵۰  |
| ۴۷۱ | ۴۶۶ | ۴۶۱ | ۴۴۵ | ۴۴۱ | ۳۵۲ |
| ۴۹۶ | ۸۹۳ | ۴۸۹ | ۴۸۶ | ۴۷۹ | ۴۷۲ |
| ۵۵۶ | ۵۵۱ | ۵۴۶ | ۵۳۹ | ۵۳۰ | ۵۰۵ |
| ۵۷۱ | ۵۷۰ | ۵۶۴ | ۵۶۱ | ۵۵۹ | ۵۵۸ |
| ۶۱۳ | ۶۰۶ | ۵۸۰ | ۵۷۹ | ۵۷۶ | ۵۷۳ |
| ۶۵۸ | ۶۵۲ | ۶۵۰ | ۶۴۰ | ۶۳۵ | ۶۲۷ |
| ۷۱۶ | ۷۰۹ | ۷۰۸ | ۷۰۲ | ۶۹۲ | ۶۶۶ |
| ۷۳۵ | ۷۳۳ | ۷۳۲ | ۷۲۵ | ۷۱۸ | ۷۱۷ |
|     |     | ۷۳۷ | ۷۳۹ | ۷۵۳ | ۷۶۲ |

## فهرست نامها (۱)

| آذربایجان ۱۱۴ ۱۱۵                         |                     | حرف الف                        |
|---|---------------------|--------------------------------|
| آذرفروغ بئغ ( آتشکده ایران ) ۳۹           | ۵۳                  | آبیروس ( کوه )                 |
| آذرگشنسب ( آتشکده ایران ) ۱۲۳             | ۱۵۵                 | آبولون ( رب النوع یونانی )     |
| آزارات ( قومی در توراة ) ۸۴ ۹۲            | ۱۵۹                 | آبولونی ( ولایتی از بابلستان ) |
| آزایاش ( ولایتی از زاگروس ) ۵۲            | ۱۶۴                 | آبولونیاتید ( جنوب ماد )       |
| آرام ناهارم ( قوم میتانی بنابر توراة ) ۱۸ | ۱۶۱                 | آبولونیدس ( مورخ )             |
| آرامی ( قومی در جزیره و شمال شام )        |                     | آتروپاتس ( ساتراپ آذربایجان )  |
| ۸۱ ۵۲                                     | ۱۶۱ ۱۶۰ ۹۷ ۸۱       |                                |
| آربیل ( اربیل ) شهری در کردستان ۸۹        | ۹۵                  | آتروپاتکان ( آذربایجان )       |
| ۱۱۴ ۹۶                                    |                     | آتروپاتی ( آذربایجان )         |
| آرپها ( شهر قدیم نزدیک کرکوک ) ۲۳         | ۱۶۴ ۱۶۲ ۱۶۱ ۱۶۰     |                                |
| ۸۰ ۳۲ ۳۱                                  | ۴۹                  | آتلیلا ( شهری در اورامان )     |
| آرتاتمه ( پادشاه میتانی ) ۴۷              | ۵۲ ۴۹               | آدادنیراری ( پادشاه آشور )     |
| آرتاتمه ( پادشاه کاسی ) ۴۰                | ۱۰ ۵ ۱              | آدم ( ابوالبشر )               |
| آرتاساری ( از امراء پارسوا ) ۵۰           | ۹۷                  | آدنس ( مورخ )                  |
| آرشامه ( جد داریوش ) ۷۹                   | ۱۲۲ ۱۰۱ ۹۷ ۹۵ ۸۱    | آذربایجان ۸۱                   |
| آرمینا ( کتاب ) ۹۷                        | ۱۸۳ ۱۷۹ ۱۷۷ ۱۶۶ ۱۲۳ |                                |
| آروکو ( پسر کورش اول ) ۷۸                 | ۲۰۸ ۱۹۷ ۱۹۴ ۱۹۳ ۱۸۹ |                                |

(۱) هر جا میان دو عدد خط (—) هست اشاره باین است که آن نام در

همه صفحات این دو شماره تکرار شده است .



|                                  |                                    |
|----------------------------------|------------------------------------|
| ۱۶ ۲۶ ۳۲ ۴۱ ۴۳ ۴۴ ۴۶             | آری (خوار) ۶۵                      |
| ۴۸ ۴۹ ۵۳-۵۶ ۵۸                   | آریائی ۲ ۲۱ ۲۲ ۳۷ ۳۹ ۴۴            |
| ۶۰-۶۴ ۶۶ ۶۸ ۷۲ ۷۳                | ۴۸ ۶۳ ۶۹ ۷۴ ۱۶۶                    |
| ۷۴ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۸۰ ۸۱ ۸۸             | آریارامنه (هخامنشی) ۷۷ ۷۸ ۸۵       |
| ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۵ ۹۶ ۱۰۰               | آریارامنس (پسر چیش پیش) ۷۷         |
| ۱۰۳ ۱۲۵ ۱۲۸ ۱۶۱ ۱۶۶              | آریانویج (مکان اصلی آریائیان بنابر |
| آشوریانی پال (پادشاه آشور) ۸ ۱۱  | اوستا) ۲                           |
| ۶۷ ۷۶ ۷۷ ۷۸                      | آریزن (پادشاه نهری در وسط ازاگروس) |
| آشور نازیر پال (پادشاه آشور) ۴۹  | (آریزنی از قبایل ماد بوده هرودوت   |
| افریقا ۴۰                        | ج ۱ ص ۱۰۱) ۲۴                      |
| آق قویونلو ۲۰۲ ۲۰۳               | آرینیس (دختر پادشاه لیدی) ۸۳       |
| آگاد (کشوری در جنوب بین النهرین) | آزا (پادشاه مانائی) ۵۴             |
| ۱۶ ۲۲ ۲۳ ۲۷ ۲۸ ۳۱ ۳۷             | آزو (ساسون) ۹۳                     |
| ۳۸ ۴۰                            | آزیانیک ۱۷ ۲۱ ۳۲ ۴۴                |
| آلانها (نام طایفه) ۱۰۳           | آزی دهاک (ایختوویگو) ۷۱ ۸۵         |
| آلانی (طایفه) ۱۹۴                | آسارهادون (پادشاه آشور) ۶۴-۶۸      |
| آلبانی (طایفه) ۱۶۳               | ۷۲ ۷۳ ۷۵                           |
| آلبویه ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۹۲               | آستیاک (ایختوویگو) ۷۱              |
| آلبیت (باستان شناس) ۲۳           | آستیاگس (ایختوویگو) ۸۰ ۸۵          |
| آلتون کپرو (از بلاد کردستان) ۲۳  | آسیا ۱۲ ۳۲ ۷۶ ۱۰۱ ۱۰۶ ۱۶۴          |
| ۲۶ ۳۳ ۴۳                         | آسیای صغیر ۱۲ ۲۲ ۳۸ ۴۷ ۹۶          |
| آل زیار ۱۸۷                      | ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۹۳                        |
| آل عثمان ۱۳                      | آسیای غربی ۲۸ ۳۸ ۴۰ ۶۹             |
| آلمان ۲۱ ۱۴۰                     | اسیرتا ۱۰۲                         |
| آلمان (ناحیه حلوان زهاب) ۴۱      | آشور آشوری آشوریان آشورو ۸ ۱۱      |

|                                    |   |
|------------------------------------|---|
| آلبانی ۱۶۶                         | آنوبانی نی ( پادشاه لولوبی ) ۲۶ ۲۴      |
| آلباتس ( پادشاه لیدی ) ۸۳ ۸۲       | ۱۷۶ ۲۷                                  |
| آمد ( دیار بکر ) ۱۲۶               | آنونیت ( خدای سیپار بابل ) ۳۱           |
| آمدروز ( خاورشناس ) ۱۸۷            | آنویل ( مورخ ) ۱۵۴                      |
| آمریکا ۲۰ ۲۳ ۲۶ ۱۴۰                | آهورمزدا ۵۷ ۷۸ ۹۶ ۱۲۰ ۱۳۰               |
| آمل مردوک ( پادشاه بابل ) ۸۳       | ایاقاخان ( مغول ) ۱۹۸                   |
| آمی تیس ( دختر ایختوویگو ) ۸۰      | ابدال علی ۲۰۸                           |
| آنا باز ( کتاب گزنفون ) ۱۴۷        | ابراهیم ۸۱                              |
| آناطولی ۶۶ ۴۸ ۴۷                   | ابراهیم شاه ( امیر کردستان ) ۲۰۰        |
| آناهیتا ( ناهید ) ۱۶۹              | ابن اثیر ۸۹ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۲                 |
| آنتافرنس ۴۰                        | ۱۹۲ ۱۸۵                                 |
| آنترباتی ( شهری از ماد ) ۶۵        | ابن البلخی ۱۶۷                          |
| آنتوان ( سردار روم ) ۱۶۲ ۸         | ابراهیم بن مال ( برادر طغرل ) ۱۹۲ ۱۹۰   |
| آنتی توروس ( کوهستان ) ۹۵          | ابن اسفندیار ( مورخ ) ۱۸۷               |
| آنتیوس ( سلوکی ) ۱۶۰               | ابن الجوانی ( نسابه ) ۱۱۷ ۱۱۳           |
| آنتیوکوس ( پادشاه سلوکی ۲۲۲-۱۸۰    | ابن حوقل ۱۶۱ ۱۹۳                        |
| میلادی ) ۱۵۹                       | ابن خردادبه ۱۷۰                         |
| آندابوگاش ( پادشاه کاسی ) ۳۹       | ابن خلدون ۱۹۷                           |
| آندرتاس ( خاورشناس ) ۱۳۴           | ابن خلکان ۱۷۸ ۱۷۹                       |
| آنری داپی زیر ( پادشاه گوتی ) ۳۳ ۶ | ابن درید ۱۱۲                            |
| آنسیکلویدی اسلام ۹۰ ۹۲ ۹۳ ۹۵       | ابن قتیبه ( مورخ ) ۱۱۵                  |
| ۹۷ ۹۸ ۱۱۶ ۱۲۳ ۱۳۱                  | ابوالحسن علی بن الحسن بن عبدالله الکردی |
| ۱۸۷ ۱۹۳ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸                | ۱۷۱                                     |
| آنلیل ( نام خدای بابلی ) ۳۸        | ابودلامه ( غلام منصور ) ۱۸۸             |
| آبو ( آنوتوم ) خدای بزرگ بابل ۲۵   | ابوسعید بهادر خان ۱۹۸                   |

- ادموندس ( خاورشناس ) ۲۷ ۷۶  
 اراتستن ( یونانی جغرافی نگار و کتابدار  
 اسکندریه در نیمه دوم قرن سوم قبل  
 از میلاد ) ۱۱۷ ۱۶۶  
 اران ۱۱۵  
 اربیل ( اربل ) در ولایت موصل عراق  
 ۳۶ ۵۳ ۱۳۱ ۱۵۸ ۱۹۶  
 ارتقیه ( اتابکان دیار بکر ) ۱۹۳  
 ارجیش ( در کردستان ) ۱ ۱۸۶  
 ارچک ( دریاچه ) ۱۶۲  
 ارخ ( از شهرهای سومر ) ۳۳  
 اردبیل ۱۷۷ ۱۸۲  
 اردشیر بابکان ۹۱ ۱۶۶ ۱۷۰  
 اردشیر دوم هخامنشی ۴ ۷۱ ۱۴۸  
 ۱۵۷ ۱۵۸  
 اردلان ۱۲۲ ۲۰۶  
 اردوان پنجم اشکانی ۱۷۱  
 ارزان ( در کردستان ) ۱۸۶  
 ارزنة الروم ۲۰۶  
 ارس ( رود ) ۱۶۲  
 ارسطو ( حکیم ) ۱۰۷  
 ارطان ( محلی در کردستان ) ۹۸  
 ارمنستان ۴۹ ۵۱ ۹۱ ۹۸ ۱۰۲  
 ۱۲۶ ۱۴۸ ۱۵۴ ۱۵۶ ۱۵۸  
 ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۴ ۱۷۷ ۱۸۱
- ابوالشوک ( طایفه کرد ) ۱۹۱ ۱۹۲  
 ابوالعباس سفاح ۱۷۹  
 ابوالعلاء پسر حسنویه ۱۸۴  
 ابوالفتح ابن العمید ۱۸۳  
 ابوالفداء ۱۸۷  
 ابوالفوارس دیلمی ۱۸۸  
 ابوالهیجان ریب الدوله کرد ۱۸۹  
 ابوالیقظان ( مورخ ) ۱۱۲  
 ابو عدنان پسر حسنویه ۱۸۴  
 ابو علی حسن کرد مروانی ۱۸۶  
 ابو کالیجار دیلمی ۱۸۸  
 ابو لیلی ۱۸۱  
 ابو مسلم خراسانی ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۸  
 ابونصر احمد ( مروانی ) ۱۸۷  
 ایرنه ۶۴ ۶۵  
 اتابک موصل ۱۸۷ ۱۹۳  
 اترانه ( نام شهری از مانائی ) ۷۵  
 اثیرالدین اومانی ( شاعر ) ۱۹۷  
 احمد برزیکانی ۱۸۲  
 احمد بن ضحاک کرد ۱۸۷  
 احمد بن لیشویه ۱۸۰  
 احمد یل بن وهسودان ۱۹۳  
 اخلاط ( خلاط ) در شمال کردستان ۹۲  
 اداد ( خدای بابل ) ۲۷ ۳۸  
 ادس ( ادسا ) اورفه ۸۱

|                                   |                                     |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| اسفرا این ۲۰۷                     | ۲۰۲ ۱۹۲ ۱۸۹ ۱۸۵                     |
| اسفزار (سفزار) از سیستان قدیم ۱۳۷ | ۹۸ ۹۲ ۹۰ (ارامنه ارمنیان)           |
| اسفندیاز (اسفندیار) ۱۱۷           | ۱۵۵ ۱۵۴ ۱۴۸ ۱۰۴ ۱۰۱                 |
| اسکندر مقدونی ۱۶ ۱۵۸              | ۱۶۶ ۱۶۴ ۱۶۳                         |
| اسکیت (سکا) ۶۷                    | ارمنیه ۱۱۵                          |
| اسلام ۱۱۹ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۴۶ ۱۴۷         | اروپا (اروپائی) ۲ ۶۶ ۱۰۳ ۱۰۶        |
| ۱۶۸ ۱۷۰ ۱۷۷                       | ارومیه (رضائیه) ۵۰ ۵۳ ۵۶ ۶۱         |
| اسلامبول ۲۰۴                      | ۱۹۰ ۹۴ ۸۰ ۷۷ ۷۴                     |
| اسمعیل ثانی (پادشاه صفوی) ۲۰۵     | ارونتاس حاکم ارمنستان ۱۴۹           |
| اسمعیل صفوی ۲۰۳-۲۰۶               | ارباویل (وزیر ضحاک) ۱۱۵             |
| اسمعیلیان ۱۶۸                     | اریتره (خلیج فارس) ۱۶۵              |
| اشبه بره ۵۷ ۵۹ ۶۰                 | ازدا (نام ملکی) ۱۲۸                 |
| اشتین اورل (باستان شناس) ۲۱ ۱۹۵   | اسبه باره ۶۲                        |
| اشعیاء (پیغمبر بنی اسرائیل) ۶۸ ۸۴ | اسپاردا ۶۵                          |
| اشکانی (اشکانیان) ۸ ۱۱۷ ۱۵۸       | اسپایزر (خاور شناس) ۲۴ ۲۶           |
| ۱۶۰ ۲۰۸                           | اسپتامینو (خرد مقدس) ۱۲۹            |
| اشکناز (نام قومی در توراة) ۸۴     | اسپیرو (خاور شناس) ۱۲۸              |
| اشکوزا (سکاها) ۶۳ ۶۷ ۷۱ ۸۳        | اسپاهان (اصفهان) ۸۱ ۱۱۵             |
| اصفهان ۱۸۰ ۱۸۱ ۲۰۸                | استخر ۱۶۷ ۱۶۹ ۱۸۸                   |
| اطریش هنگری ۱۴۳                   | استخری (جغرافی دان) ۱۱۷             |
| افغانستان ۲۱ ۱۰۱ ۱۳۷              | اسحق بن عیسی ۱۸۲                    |
| افغانها ۱۰۱ ۱۰۳ ۱۰۴               | استرابون (سیاح و جغرافی دان یونانی) |
| اکباتان (همدان) ۷۰ ۷۲ ۸۰ ۸۷       | ۶۴ ۹۰ ۹۱ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۶۰                |
| ۱۴۸ ۱۶۰ ۱۶۴                       | ۱۶۶ ۱۶۵                             |
| اکراد (رجوع شود به کرد)           | استرك (خاور شناس) ۹۵                |
| ۱۷۷-۱۸۰ ۱۸۴ ۱۹۵                   |                                     |

|   |                                   |
|---|-----------------------------------|
| امیر حسن ( کرد ) ۲۰۰                    | انگریج ( امیر ) ۱۹۹               |
| اناریاکها ( طایفه ) ۱۶۳                 | اکسفورد ۲۸ ۲۹ ۳۰                  |
| اندرا ( خدای هند ) ۴۷                   | اگوم کاک ریم ( پادشاه کاسی ) ۴۲   |
| انزان ( انشان ) ۱۸ ۲۶ ۳۵ ۳۶ ۶۱          | الارودی ( آرات در یونانی ) ۹۲     |
| ۷۴ ۷۵ ۷۷ ۸۲ ۸۵                          | الب ارسلان سلجوقی ۱۹۲             |
| انگلیس ۱۴۰                              | البرز ( کوه ) ۸۲                  |
| اوالکی ( سردار آشور ) ۵۰                | الجبایتو ( خان مغول ) ۱۲۳ ۱۸۹     |
| اوالی ( پسر اهشری ) ۷۶                  | الخریط ۱۷۷                        |
| اوپاش ۵۳                                | الک ( نام محلی در کردستان ) ۹۷    |
| اوپرت ( خاور شناس ) ۸                   | المستد ( خاور شناس ) ۵۲ ۸۴        |
| اوپیس ۶۶                                | الولومش ( پادشاه گوتی ) ۳۰        |
| اوتون لگال ( پادشاه ارخ سومر ) ۳۳       | الومه ( الام ) ۱۶۴                |
| اور ( از شهرهای بزرگ جنوب بین النهرین ) | الوند ( رودی در غرب ایران ) ۷۵    |
| ۱۵ ۲۳ ۲۵ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۸۹                    | الومیان ۱۶۳                       |
| اورارتو ( آرات ) ۶۶ ۸۴ ۹۲               | الی بی ( نواحی کرمانشاهان ) ۴۶ ۵۲ |
| اوراشطو ( نام آرات ) ۹۲                 | ۵۴ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱                    |
| اوراکزابرنه ۶۶                          | الیشر ۱۸۳ ۱۹۴ ۱۹۵                 |
| اورامان ۴۹ ۵۹ ۶۰ ۶۲ ۱۲۱                 | الی ماباکش ( پادشاه گوتی ) ۳۰     |
| ۱۲۲ ۱۲۳                                 | امامقلی سلطان سیاه منصور ۲۰۷      |
| اورباخ ( مردم شناس ) ۱۴۳                | امردها ( طایفه ) ۱۶۲ ۱۶۳          |
| اوریلوم ( اریل در عراق ) ۳۳ ۳۵          | امشاسپند ( ملک مقرب ) ۱۲۹         |
| اورطایه ( محلی در کردستان ) ۹۸          | اموی ( سلسله خلفا ) ۸۱            |
| اورفه ۱۳۱                               | امیر چوبان ۱۶۹                    |
| اورنامو ( پادشاه اور ) ۳۴               | امیر حس ( آق قویونلو ) ۲۰۳        |
| اوریکون ( جبل حمزین ) ۱۵۹               | امیر حسن ( حاکم عمادیه ) ۲۰۵      |

۵۸ ۵۷ ۵۴ ۵۲ ۴۸ ۴۶  
 ۸۶ ۸۵ ۷۸ ۷۵ ۷۴ ۶۲  
 ۱۰۲ ۱۰۱ ۹۹ ۹۴ ۹۲ ۸۷  
 ۱۱۹ ۱۱۸ ۱۱۶ ۱۱۴ ۱۰۶  
 ۱۲۹ ۱۲۶ ۱۲۴ ۱۲۲ ۱۲۰  
 ۱۴۸ ۱۴۵ ۱۳۹ ۱۳۲ ۱۳۰  
 ۱۷۷ ۱۷۵ ۱۶۶ ۱۵۸ ۱۵۷  
 ۱۹۹ ۱۹۶ ۱۹۴ ۱۸۸ ۱۸۷  
 ۲۰۷ ۲۰۴ ۲۰۳  
 ایران باستان (کتاب) ۸ ۶۸ ۶۹ ۷۱  
 ۱۰۷ ۸۷ ۷۹ ۷۴ ۷۳  
 ایراروم (پادشاه گوتی) ۳۱  
 ایرج (پیشدادی) ۱۱۴  
 ایرلگب (پادشاه گوتی) ۲۰  
 ایزرتو (پایتخت مانائی) ۷۵  
 ایشار (در کردستان) ۳۶ ۸۹  
 ایشیا گایا ۶۷  
 ایشتار (الاهه بابلی) ۲۵ ۳۱  
 ایشتومگو (اسم ایختوویگو) ۸۵  
 ایشکو (حاکم بزبان بابلی) ۳۲ ۳۵  
 ایغارین ۱۱۵  
 ایکش هوش (پادشاه گوتی) ۳۰  
 ایکی (رتاردونی) ۲۷  
 ایلام (عیلام) ایلامی ایلامیان الامو ۲ ۱۶  
 ۳۸ ۳۶ ۳۳ ۲۸ ۲۶ ۲۴ ۲۳

اوست (طایفه در قفقاز) ۱۰۳  
 اوستا (کتاب مقدس ایرانیان قدیم) ۲  
 ۱۲۸ ۶۳ ۱۵  
 اوشی شی (شهری از آشور) ۷۲  
 اوکسار (هوخستره) ۵۷  
 اوکسی ها ۱۶۳  
 اولاش بیگ ۲۰۶  
 اولوسونو (پادشاه مانائی) ۵۴ ۵۶  
 اوما (شهری در بابلستان) ۳۲  
 اومان (دوهمدان) ۱۹۷  
 اونگناد (خاورشناس) ۴۲  
 ایپاته (پادشاه گوتی) ۳۰  
 ایبرانوم « ۳۱  
 ایتاخ (سردار ترک) ۱۷۹  
 ایتالیا ۱۴۰  
 ایروان ۱۲۶  
 اهریمن ۱۲۹  
 اهشری (امیر مانائی) ۶۷ ۷۵ ۷۶  
 اهواز ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۸۰  
 ایختوویگو (پادشاه ماد) ۷۱ ۸۰ ۸۳  
 ۸۷-  
 اینده (مالمیر) ۵۹ ۶۰  
 ایران زو ۵۴  
 ایران و ایرانی ۲-۷ ۱۲ ۱۴ ۱۹  
 ۴۵ ۴۰ ۳۶ ۲۶ ۲۱ ۲۰

بار کر (ارنست) ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲  
 بازبندی (مجلسی در کردستان) ۸۹ ۱۹۰  
 بازرنگی (طایفه) ۱۶۷ ۱۶۹ ۱۷۹  
 بازنجان (ازا کراد) ۱۱۵ ۱۶۹  
 بازیل دوم (فیصر روم) ۱۸۶ ۱۸۷  
 باغدزی (محل کردان) ۱۷۶  
 بالکان ۲۲ ۱۵۰  
 بانو هذری (محل کردان) ۱۷۶  
 بانه ۴۶ ۱۳۵  
 باوهلی (از طوایف کرد) ۱۲۰  
 بایزید ۱۹۹  
 بجوران (فرقه ای از اکراد) ۱۲۴ ۱۲۵  
 بحر الکلام (نام کتاب) ۱۰۹  
 بحر خزر ۴۵ ۸۲ ۱۰۱ ۱۶۱ ۱۲۳  
 بخارا ۱۳۷ ۱۳۸  
 بختان (بختان) ۹۰ ۱۵۸  
 بخت نصر نابو کد نرور (پادشاه بابل) ۲۶  
 ۸۰ ۸۱ ۸۳  
 بختی (طایفه کرد) ۱۳۱  
 بختیار پسر حسنویه ۱۸۳ ۱۸۴  
 بختیاری (طایفه) ۸ ۵۸  
 بختیه (از طایفه کرد) ۱۱۳  
 بدر بن حسنویه (ابوالنجم) ۱۸۳ ۱۸۴  
 ۱۹۵  
 بدرالدین ۱۹۸

۴۲ ۴۳ ۴۴ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۷۴  
 ۷۵ ۷۷ ۷۸ ۸۷ ۱۶۳  
 ایشکوش (از پادشاهان لوانوبی) ۲۶  
 ایمتا (پادشاه گوتی) ۳۰  
 این بیر (پادشاه نوری) ۲۴  
 این گیشو (پادشاه گوتی) ۳۰  
 اینه سین (پادشاه بابل کلمه) ۲۶  
 ایوانوسکی (خاورشناس) ۱۰۴  
 ایوبی ۱۸۲  
 ایوبیان ۱۹۲ ۱۹۵ ۱۹۶  
 ایونی (مهاجر نشین یونانی در از میر) ۱۴۸  
**حرف ب**  
 الباب والابواب ۱۱۵  
 بابا (لقب گنجعلی خان) ۲۰۸  
 بابل بالمیان بابل ۹ ۱۵ ۱۶ ۲۴  
 ۲۶-۳۴ ۳۷ ۳۸ ۴۲ ۴۴ ۴۷  
 ۶۰ ۶۱ ۶۸ ۷۱ ۷۶ ۸۰ ۸۸  
 ۹۱ ۱۰۰ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۴۸  
 ۱۵۷ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۳ ۱۶۵  
 بابین (طایفه) ۱۹۷  
 بانور (بمعنی زیر) ۲۶  
 باتیر (نام قدیم زهاب) ۲۵  
 باختری (باکتریان) ۸ ۵۷  
 باذ ابو عبدالله حسین کرد ۱۸۵ ۱۸۶  
 باوسان (بارسیان) طایفه کرد ۱۱۱ ۱۱۵

- بدرالدین لؤلؤ ۱۹۶
- بدره (ناحیه در مشرق عراق) ۲۳ ۳۴
- ۸۳ ۶۰ ۴۶ ۳۵
- بدایس (شهری در کردستان) ۸۹
- برامیکه ۱۸۸
- برج ۱۱۵
- برزیکان و برزیکانی ۱۱۵ ۱۸۳
- ۱۹۱
- برزینی (برزیکانی) ۱۸۲
- برگشاط ۲۰۸
- برلن ۵۴ ۷۶
- بریتانیا ۷۶
- بست (افغانستان) ۲۰۷
- بسفور ۲۲ ۱۵۷
- بشنوی (اکراد) ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۹۰
- بشویه (بشویه؟) (از طوایف کرد)
- ۱۱۳
- بطلمیوس ۱۶۶
- بغاز کوی (در آسیای صغیر نام قدیم آن  
پتربیا بوده است) ۹۳ ۴۷
- بغ برونه ۵۷
- بغفور ۲۹
- بغداتی (سردار ابرانی) ۵۴
- بغداد ۳۹ ۹۳ ۱۸۰ ۱۸۴ ۱۸۸
- ۲۰۸ ۲۰۰-۲۰۳ ۱۹۶
- بقودی (مجله در کردستان) ۸۹ ۹۰
- ۱۰۸ ۹۴
- بکر ۱۱۰ ۱۱۳
- بکرین هوازن (از اجداد کرد) ۱۱۲
- بل (بلیت) از خدایان بابل ۲۵
- بلاذری (مورخ) ۸۹ ۱۷۸
- بلغارستان ۱۴
- بلقیس ۱۰۹
- بلوچستان (در شمال بلوچستان ناحیه سرحد  
طوایف کرد بسیار ندها هالی قصبه داشت  
کرسی سرحد بیشتر کردند کتاب  
لرد کرزن ج ۲ ص ۲۶۲) ۲۱ ۱۰۱
- بلیکان (از طوایف کرد) ۱۲۰
- بنوعناز (طایفه کرد) ۱۹۱ ۱۹۲
- بنی اسرائیل ۶۸ ۸۳
- بنی شیبان ۱۸۵
- بورسین (پادشاه اور) ۳۶
- بوریا (خدای آریائی) ۴۵
- بوریاس (خدای یونانی) ۳۹
- بوریاش (خدای کاسی) ۳۹
- بوشهر ۲۱
- بوقا (غز) ۱۸۹ ۱۹۰
- بوگاش (خدای کاسی) ۲۹ ۴۰
- بهدینان (طایفه کرد) ۱۲۳
- بهار (کرسی کردستان) ۱۹۴ ۱۹۶



|                                    |                                    |
|------------------------------------|------------------------------------|
| ۱۹۲ ییلوار                         | ۱۹۸ ۱۹۷                            |
| ۱۰۵ ییلیکانی (ازطوائف کرد)         | ۱۷۹ ۱۳۷ بهار (ملك الشعراء)         |
| ۲۳ ۲۲ ۱۷ ۱۶ ۱۵ بین‌النهرین         | ۱۱۷ بهرام                          |
| ۸۱ ۴۵ ۳۷ ۳۶ ۳۲ ۲۹ ۲۸               | بهرام چوین (نام خواهرش که زن خسرو  |
| ۱۹۳ ۱۹۱ ۹۹ ۹۶ ۹۳ ۸۴                | پرویز شد گردیده بود) ۱۱۷           |
| ۱۱۵ بیوراسف (نام ضحاک)             | بیرس (سلطان مصر) ۱۹۸               |
| حرف پ                              | بیت ایلی ۵۸ ۵۷                     |
| ۱۵۶ ۱۵۵ پشان (سرود یونانی)         | بیت بغائی ۵۷                       |
| ۹۳ پاپانی                          | بیت قردو (مرکز طایفه قردو) ۸۹ ۹۴   |
| ۱۷۰ ۱۶۹ پاپک (پدر اردشیر)          | ۱۵۸ ۹۹                             |
| ۱۷۱                                | بیت کاپسی ۵۳                       |
| ۹۳ پاپی                            | بیت کاری ۶۴                        |
| ۱۰۱ پاتان                          | بیت المقدس ۸۳                      |
| پاتیشخوارها (رجوع شود به پیشخوار)  | بیت همیان (کمپندا-بیستون) ۷۵       |
| ۱۶۶                                | بیرام بیک ۲۰۵                      |
| پادان (در کردستان قدیم) ۴۱         | بیرام علی (سلطان صوفی) ۲۰۸         |
| پادیر (نام قدیم زهاب) (رجوع شود به | بیروت ۱۹۹                          |
| باتیر) ۲۶                          | بیرس هتری (از امرای ماد) ۷۶        |
| پارت پارتی ۸۲ ۱۶۰ ۱۶۳ ۱۶۶          | بیزانس (روم شرقی) ۹۲               |
| پارتکه ۶۶                          | بیستون (کوه) ۶۳ ۷۲ ۷۷ ۹۵           |
| پارتوکا ۶۶                         | ۱۸۲ ۱۵۷                            |
| پارتیا ۶۶                          | بیضا ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۸۸                   |
| پارسا ۷۸ ۷۷                        | بیکنی (کوه دمارند) ۵۳ ۵۴ ۶۴        |
| پارسواش پارسوا (ناحیه‌ای در مغرب   | بیلربک (خاورشناس) ۳۳ ۶۰            |
| دریاچه ارومیه [رضایه] که محل       | بیلقان (نام محلی است در قفقاز) ۱۱۵ |

پاگان (تنگه در جنوب شهر زور = قراداغ)

۲۷

یاوه (در کردستان)

بای او کو ۵۷

پتشیخوار (پیشخور - گبر یاس سردار

داریوش را در کتیبه قبر داریوش بلقب

پتشیخوار نامیده اند) ۶۳

پتشیخوار گر (سواد کوه) ۱۶۶

پتوش آری ۶۴

پرسیکا (کتاب) ۸۰ ۸۵

برشیل ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۳۲ ۳۵ ۳۶

برگام (دولتی در آسیای صغیر که در ۲۸۲

ق. م. تاسیس یافته) ۹۷ ۱۶۰

پرویز ۱۱۷ ۱۱۸

پسیان (طایفه کرد) ۱۳۱

پشتو ۱۰۳

پنجه علی (کوه کردستان) ۵۳

پنیکا (نیک) ۹۰

یوبل (خاورشناس) ۷۲

پوتی مادال (دشمن زارامسین) ۲۳

پوزورسین (بادشاه گونی) ۳۱

پولیب (مورخ یونانی) ۱۵۹ ۱۶۰

پیتار (اوزن) (انسان شناس) ۱۰۰

۱۰۲ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶

پارسیان بوده) ۱۷ ۴۶ ۵۱ ۵۴

۵۶ ۶۱ ۷۴ ۸۰ ۸۵ ۹۴

پار سومش (محل پارسیان در کوهستان مرز

خوزستان) ۴۶ ۶۱ ۷۳ ۷۴

۷۷ ۸۲

پارس پارسی پارسیان ۲ ۷ ۲۲ ۳۷

۴۸ ۶۱ ۶۳ ۷۰ ۷۳ ۷۴

۸۲ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۹۴

۱۰۲ ۱۰۷ ۱۶۲ ۱۶۴ ۱۶۷

۱۷۰

پاریس ۵۴ ۵۶ ۸۱ ۱۳۶ ۱۴۳

۱۶۳-۱۶۶

بازار گاد (رجوع شود به پاسارگاد)

۷۷

پازوکی (طایفه کرد در ورامین و خوار)

سابقاً طایفه نیرومندی بودند در ارزنة

الروم در آخرین سنوات قرن شانزدهم

میلادی متفرق شدند جماعتی بایران

آمدند بعضی کردی و برخی ترکی

حرف می زنند ۱۳۱

پار سا گاد محلی در پارس ما خود از نام طایفه

فارسی که بتعریک کورس بردوات ماد

شورید هرودت I ص ۱۲۵ در کرمان

هم بعداً یک طایفه باین نام خوانده شد

۳۴

|                                      |                                  |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| تاندیم (مجلسی درحوالی آشور) ۳۶       | پیر شالیار ۱۲۱                   |
| تبریز ۱۹۰ ۲۰۵ ۲۰۶                    | پیر شهریار ۱۲۰ ۱۲۲               |
| تجارب الامم ۱۸۲ ۱۸۷                  | پیر شهریار ثانی ۱۲۲              |
| تخت جمشید فارس ۴۳ ۷۷ ۸۷              | پیر محمد (پسرتیمور) ۲۰۰          |
| تخت سلیمان (شیز گنجک) ۸              | پیرنیا ۷۱ ۷۹ ۸۷                  |
| تخمسپاد ۹۶                           | پیریشاته (سردار ایرانی) ۵۱       |
| ترك ۱۰۰ ۱۰۴ ۱۸۸                      | پیش کوه ۱۷۷ ۱۹۵                  |
| ترکستان ۲ ۴۵ ۱۰۱ ۱۰۷                 | حرف ت                            |
| ترکمانان ۱۹۲                         | تات‌ها ۱۰۱                       |
| ترکیه ۱۲۵                            | تاپورها (طایفه) ۱۶۲              |
| تفلیس ۱۳۶                            | تاج‌الدین صلایه ۱۹۶              |
| تکریت (در کردستان) ۲۰۰               | تاج‌العروس (لغت عربی) ۶ ۱۰۹      |
| تلویر (از قاطب باستانی جنوب عراق) ۲۵ | ۱۱۰ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۵ ۱۷۱              |
| توربخ ۹۷                             | تاجیکان ۱۰۱ ۱۰۳ ۱۰۴              |
| التنبیه والاشراف مسعودی ۱۱۱ ۱۱۴      | تاریشو ۸۰                        |
| ۱۶۹ ۱۹۳                              | تاردونی (ستون) ۲۷                |
| توتمس (فرعون) ۴۷ ۴۸                  | تاریخ بروس ۸۰ ۸۳                 |
| توران ۲ ۸                            | تاریخ سیستان ۱۳۷ ۱۷۹             |
| تورات ۶۶ ۶۸ ۷۳ ۸۴                    | تازیتا (حاکم سیماش بختیاری) ۳۵   |
| تورودان ژن (خاورشناس) ۲۴ ۲۹          | تاش‌تپه (نزدیک دریاچه ارومیه) ۵۲ |
| ۳۶ ۵۶ ۸۹                             | تاش‌فراش (حاجب مسعود غزنوی)      |
| توزخرماتلی (در محل هارش قدیم جنوب    | ۱۸۹                              |
| زاب‌صغیر) ۳۳                         | تالنا (امیرالی‌بی) ۵۷ ۵۸ ۵۹      |
| توشرته (بادشاه کاسی) ۴۰              | تامسون (خاورشناس) ۶۴ ۶۶ ۶۷       |
| تهران ۱۰۷ ۱۷۹ ۱۲۲ ۲۰۶                | تامیل (یک شعبه از زبان هند) ۴۶   |

|                                 |                                      |
|---------------------------------|--------------------------------------|
| جبال ۱۱۵                        | ۲۰۸ ۲۰۷                              |
| جبرائیل ۱۳۰                     | نهم اسپ ۶۲                           |
| جبل حمرین ۱۸۹                   | تیتلیو (مورخ) ۹۷ ۱۶۰                 |
| جرددغان ۱۱۵                     | تیسافر نس ۶۴                         |
| الجزایر (شمال افریقا) ۱۹۷       | تیسافرن (ساتراپ ایران در آسیای صغیر  |
| جزیره (شمال بین النهرین) ۳۷ ۱۱۵ | ۴۱۴ ق.م فرمانده سپاه اردشیر در       |
| ۱۲۳ ۱۷۶ ۱۹۳ ۱۹۸ ۲۰۳             | کونا کسا بود در ۳۹۵ محکوم بمرک       |
| جزیره ابن عمر ۸۹ ۹۰ ۹۴ ۹۷       | شد) ۱۵۴                              |
| ۹۹ ۱۳۱ ۱۹۰                      | تیمورخان اردلان ۲۰۵                  |
| جستان (از توابع بغداد) ۲۰۸      | تیمور (کورکان) ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰           |
| جستان مسافری ۱۸۲                | ۲۰۲                                  |
| جعفر بن شکویه ۱۸۲               | تیکلات پیلسر (پادشاه آشور) ۶-۸ ۴۹    |
| جعفر بن فهر جس ۱۷۹              | ۵۲ ۵۴ ۷۰ ۹۳                          |
| جغتو ۵۱                         | تیریگان (شهری در جنوب دریاچه زره بار |
| جلال الدین خوارزم شاه ۱۹۶       | کردستان) ۳۳                          |
| جلالیه ۱۱۵                      | تیریگان (پادشاه گوتی) ۳۱ ۳۳          |
| جلایریه ۱۹۹                     | تیکران ۹۰                            |
| جلولا (نزل رباط) ۱۷۵            | حرف ث                                |
| جمشید (پیشدادی) ۶               | الثمانین (محلّی در کردستان) ۸۹ ۱۳۱   |
| جمهره الکرد (کتاب) ۱۱۲          | حرف ج                                |
| جهانگشای جونی ۱۹۷               | جابارقه ۱۱۵                          |
| جوبانان ۱۷۱                     | جابارقه ۱۱۱                          |
| جویه (از طوایف کرد) ۱۱۳         | جایی ۱۳۵                             |
| جودی ۸۹ ۱۰۸ ۱۳۱ ۱۵۸             | الجوانیه (از طوایف کرد) ۱۱۱ ۱۱۳      |
| جوردقانی ۱۱۵ ۱۳۱                | ۱۱۵                                  |

- حذیفة بن الیمان ۱۷۷  
 حران ۸۱ ۸۶ ۱۲۷  
 حرانو ۸۱  
 حسویه ۱۸۲-۱۸۵ ۱۹۲  
 حسین بشنوی شاعر ۸۶  
 حسین بن دوستک ۱۸۵  
 حسین (پدر حسویه) ۱۸۴  
 حسین حمدانی ۱۸۲  
 حسین (علیه السلام) ۱۲۵  
 حسینیه ۱۹۰  
 حصن کیف (کردستان) ۱۸۶ ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 حکاری حکاریه (از طوایف کرد) ۱۱۳  
 ۱۸۵ ۱۹۰ ۱۹۷ ۲۰۵  
 حکیم ادیس ۲۰۴  
 حلب ۱۲۶ ۱۸۱  
 حلوان ۴۱ ۴۳ ۱۷۵ ۱۷۸ ۱۹۱  
 حاول ۷۴  
 حماة (شام) ۷۰  
 حمار (آخرین خلیفه اموی) ۸۱  
 حمدان بن حمدون ۱۸۰  
 حمدانی ۱۵۸ ۱۸۰ ۱۸۶  
 حمدالله مستوفی ۱۶۱ ۱۸۴ ۱۹۵  
 حمزه اصفهانی مورخ ۱۸۸  
 حمص (از شهرهای شام) ۵۵
- جوزهر (امیر بازرنگی) ۱۶۹ ۱۷۰  
 جولا مرگ ۹۷  
 الجوهر المکنون فی القبايل والبطون ۱۱۳  
**حرف چ**  
 چالدران ۲۰۴  
 چلبی بیک ۲۰۳  
 چهچمال (دشتی در کرمانشاه) ۶۳ ۱۹۴  
 ۱۹۸ ۲۰۰  
 چهشگزک ۲۰۳ ۲۰۴  
 چهل ستون (اصفهان) ۲۰۸  
 چوبانیان ۱۹۹  
 چورس (آذربایجان) ۲۰۷  
 چیشرافرانا ۶۴  
 چیتران تغمه ۹۶  
 چیچست (دریاچه رضائیه) ۱۶۱  
 چیش پیش ۷۵ ۷۷ ۷۸ ۷۹  
 چین ۱۳۹
- حرف ح**  
 حاجی رستم بیک ۲۰۴  
 حازو ۹۳  
 حافظ (شیرازی) ۱۳۵  
 حام (پسر نوح) ۱۱۳  
 حبتون ۱۷۶  
 حبشه ۱۵۷  
 حجاج بن یوسف ۱۷۸

|  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| خلیج فارس ۸۶                           | حمیدیه (اکراد) ۱۸۵                    |
| خمسه نظامی ۱۳۵                         | العبیان (محل اکراد) ۱۷۶               |
| خواجه بهادر ۲۰۰                        | حیدالو (شهری از ایلام) ۶۰             |
| خوار ۶۳ ۶۴ ۱۸۹                         | حرف خ                                 |
| خوارا ۶۵                               | خابور (خبورا) (رودی از شعب فرات)      |
| خوارج ۱۷۸ ۱۸۸                          | ۱۹۰ ۱۵۴                               |
| خوارزم (کشوری در جنوب دریایچه آرال) ۲  | خالدی ۵۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۱۳۱                 |
| خوز (مردم خوزستان) با اعتقاد دانشمندان | خالیه ۱۱۱                             |
| کلمه خوز از هوسی و کوسی میآید که       | خان احمدخان اردلان ۲۰۷                |
| همان طایفه او کسی است که کسی           | خانیکف (عالم مردم شناس) ۱۰۲           |
| باشد بنا بر قول یونانیان) ۱۶۳          | خانیه (ملوک ترکستان) ۱۸۷              |
| خوزستان ۱۵ ۱۶ ۳۶ ۵۸ ۶۱                 | خراسان ۹ ۱۱۵ ۱۱۷ ۱۳۷ ۱۸۸              |
| ۸۳ ۱۶۳ ۱۶۵ ۱۷۶ ۱۷۷                     | ۱۸۹ ۱۹۰ (گروه بسیاری از               |
| ۱۸۸ ۱۹۴ ۱۹۹                            | اکراد در آنجا مقیم بوده اند شاه عباس  |
| خوشان (زردیک کردند) ۱۹۴                | و نادر هم جماعتی را با آنجا کوچ دادند |
| خویت ۹۷                                | زعفرانلو در قوچان شالو در بجنورد      |
| الخوبشیه (محل در کردستان) ۹۷           | از آنها هستند همچنین کبوانلو و امانلو |
| حرف د                                  | (عمارلو)                              |
| داذبوندهاه (دبر اردلان) ۱۷۱            | خرپوت (ارنواهی کردستان) ۱۲۳           |
| دارابگرد ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۶ ۲۸۸               | خرزاد (مادر اردشیر) ۱۶۹               |
| داریوش ۶ ۷۲ ۷۷ ۷۹ ۹۵ ۹۸                | خشیره ۵۷                              |
| داریوش سوم ۱۵۸                         | خشریته ۷۳ ۷۵ ۷۶ ۷۷                    |
| داسن (بیان) ۱۷۹                        | خفتیان ۲۹۲ ۱۹۴                        |
| داستی (طایفه کرد) ۱۳۱                  | خلاط (اخلاط) ۹۲ ۱۸۶ ۱۹۲               |
| داسین (محل کردان) ۱۷۶                  | ۱۹۳ ۱۹۶                               |

|                                  |                                  |
|----------------------------------|----------------------------------|
| دوستک بدرباز ۱۸۵                 | دامغان ۱۸۹                       |
| دولابرت (خاورشناس) ۴۹            | دانا (غز) ۱۸۹                    |
| دومرگان (خاورشناس) ۲۱ - ۲۴       | دجنه (تیکرا - اروند) ۲۴ ۳۴ ۴۳    |
| دومکنم (باستان‌شناس) ۲۱ ۳۶ ۴۳    | ۴۷ ۸۰ ۹۰ ۱۰۲ ۱۴۸                 |
| دوهوسه (مردم‌شناس) ۱۰۲           | ۱۴۹ ۱۵۸ ۱۶۰ ۱۷۶ ۱۸۶              |
| دیااگو ۷۱ ۷۰ ۵۷ ۵۵               | در (بدره کنونی) ۲۳ ۳۴ ۴۶         |
| دیاربکر ۹۰ ۱۲۶ ۱۷۶ ۱۸۵ ۱۸۶       | درازآباد (محل گردان) ۱۱۵ ۱۷۶     |
| ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۷ ۲۰۳ ۲۰۶              | درایور (خاورشناس) ۸۹ ۹۳          |
| دیار مضر (بخشی از عراق) ۸۱       | در بند تاج خاتون ۱۹۴             |
| دیاله (شطی در ایران و عراق معروف | در بند زنگی ۱۹۴                  |
| بسیروان که بدجله می‌ریزد در قدیم | در بند (کردستان) ۲۰۰             |
| آنرا نهر تامرا و نهر بعقوبا و آب | در تنگ ۲۰۸                       |
| نهر وان نیز نامیده اند) ۲۳ ۲۴    | دریاچه زره‌بار (مریوان) ۳۳ ۵۴ ۶۰ |
| ۴۶ ۷۵ ۱۵۹                        | دزیل ۱۹۴                         |
| دیسم ۱۲۳ ۱۶۸ ۱۸۱                 | دزملکان ۶۰                       |
| دیسم (برزیکانی) ۱۸۳ ۱۸۴          | دقوق (از شهرهای کردستان) ۱۳۱ ۱۹۲ |
| دیلمان ۲۰۸                       | دلیوس (مورخ) ۱۶۲                 |
| دیلمیان (دیالیه) ۱۸۴ ۱۸۶ ۱۸۸     | دماوند ۵۳ ۶۴ ۶۵ ۱۱۶              |
| ۱۹۱ ۱۹۲                          | دمشق ۱۷۸                         |
| دینور ۱۱۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۹۴            | دنبلی (طایفه کرد) ۱۱۱ ۱۲۳ ۱۳۱    |
| دیوان شمس تبریزی ۱۰۸             | دور آشور ۴۹                      |
| دیودورس ۸۲                       | دور آنلیل ۴۷                     |
| دیوکس ۵۵ ۷۰                      | دورشاروگین (شهری در زاگروس) ۶۱   |
| حرف ر                            | دوری سی (سردار ایرانی) ۵۷        |
| رادکی‌ها (طایفه کرد) ۱۰۵         | دوسانی (رئیس طایفه ساپاردا) ۷۳   |

|                                    |                                |
|------------------------------------|--------------------------------|
| رواندوز (از بلاد کرد نشین عراق) ۲۰ | رأس العين ۸۱                   |
| ۲۷ ۲۶                              | رامان (خدای بابل) ۲۵           |
| روسبه ۲ ۲۱ ۱۰۳                     | رام بهشت (مادر اردشیر) ۱۶۹     |
| روم ۱۶۱ ۲۰۵                        | راولسون (باستان شناس) ۳۸       |
| رومی رومیان ۸ ۹ ۹۷                 | رایسکه (خاور شناس) ۹۳          |
| رها (شهری درین النهرین) ۸۱ ۱۷۶     | رباط (نزدیک سلیمانیه) ۲۷       |
| ری ۲۱ ۸۱ ۱۱۷ ۱۸۹                   | ریعه ۱۱۰ ۱۱۱                   |
| ریج (خاور شناس) ۱۱ ۱۰۲ ۱۰۶         | ریعه بن نزار ۱۱۱               |
| ریم سین (پادشاه ایلام) ۳۷          | رجبه ۱۹۸                       |
| ریناخ (خاور شناس) ۹۷               | رستم زال ۱۱۷ ۱۲۰               |
| حرف ز                              | رسول (محمد ص) ۱                |
| زاب سفلی (رودی از شعب دجله) ۲۳     | رشید یاسمی ۱۷۱ ۱۷۰             |
| ۳۳ ۴۳ ۴۹ ۵۶                        | رضائیه (از طوایف کرد) ۷۴ ۷۷ ۹۴ |
| زاب علیا (رودی که بدجله میریزد) ۲۳ | ۱۱۳ ۱۶۲ ۲۰۲                    |
| زابوروسکی ۱۰۳                      | رضا قلی سلطان سیاه منصور ۲۰۷   |
| زازا ۹۸                            | رکن الدوله دیلمی ۱۸۱ ۱۸۴ ۱۸۸   |
| زاگروتی (شهر ماد) ۵۳               | رماتیا ۶۶                      |
| زاگروس ۷ ۱۳ ۱۶-۲۳ ۲۷               | رم لبازنجان ۱۶۸ ۱۶۹            |
| ۳۴-۳۷ ۴۳ ۴۴ ۴۷-۵۲                  | رم الجیلویه ۱۶۸                |
| ۵۴ ۵۶ ۵۸ ۶۱ ۶۲ ۷۰                  | رم الذیوان ۱۶۸                 |
| ۷۳ ۷۴ ۸۷ ۸۸ ۹۴ ۹۵                  | رم الکاریان ۱۶۸                |
| ۹۹ ۱۰۳ ۱۲۵ ۱۶۲ ۱۶۴                 | رم اللوالجان ۱۶۸               |
| زالمن (خاور شناس) ۱۳۴              | رمدانی ۶۵                      |
| زاموا (ام ولایت لولویی) ۴۶ ۴۹ ۵۰   | روا (سلسله کوه) ۵۳             |
| زاهد بیک ۲۰۵                       | روادی (طایفه) ۱۸۲ ۱۹۳ ۱۹۵      |



زربی نوس ۹۱

زردشت زردشتره ۶ ۱۲۰ ۱۲۱

۱۲۸

زردشتی ۱۲۰ ۱۲۳ ۱۲۸

زرزاینه (ازطوائف کرد) ۱۱۳

زرنیه رود (جنتو) ۵۱

زروان ۱۳۰

زکریا خان حکاری ۲۰۷

زمین داور ۲۰۷

زنجان ۲۰۸

زندیه ۹

زه سانه ۶۶

زهاب (دشتی در مغرب کرمانشاهان) ۲۵

زیکیرتو ۵۴

زیگ (از دودمانهای قدیم ایران) ۸

۲۰ ۲۶ ۷۶

زینل خان شاملو ۲۰۵

حرف ژ

زرمین ۱۱ ۱۰۳

ژنو ۱۰۰

حرف س

سپاردا (نام طایفه) ۷۳

ساتارشو (از سرداران ایرانی) ۵۷

ساتراب (شهربان) (استاندار عهد

مخامنشی) ۱۵۶ ۱۵۸

ساترووان محل اکراد ۱۷۷

سانلکا (شهری در روی دجله) ۹۰

سارتهها ۱۰۱

سارگن (پادشاه آشور) ۶ ۲۲ ۲۳

۲۴ ۲۶ ۵۴ - ۶۰ ۷۳

سارپسا (شهری نزدیک دجله) ۹۰

ساسان ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۱

ساسانی ۸ ۳۹ ۹۱ ۱۰۲ ۱۰۷

۱۱۴ ۱۲۴ ۱۶۵ ۱۷۵ ۱۸۷

ساسون (در ترکیه) ۹۳ ۹۷

ساکا (سیت) طایفه آریائی که در حدود ۱۳۰۰

قبل از میلاد از آسیای مرکزی هجرت

کرده ایران را مورد هجوم قرار داده

و کرکوک را پایتخت خود ساخته اند

امروز نام آنها در لفظ سگستان سیستان

باقی است از طریق اراخوزی رنج

در افغانستان و از معابر بولان وارد

هندوستان شده دولتی مستعجل در دهلی

و بهیئت تأسیس کردند (هرتفلد) ۱۳

۶۳ ۶۶ ۶۷ ۷۱ ۷۵ ۷۷

۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۴ ۱۰۳

ساگارتی از طوائف چادر نشین ایرانی

(هردوت I ۱۲۵) (در فرس قدیم

موطن این طایفه را در زاگروس

شمالی آساگارتا می گفته اند بعضی